

باشد رجوع خواهد کرد این مسئله بودجه نیست و مسئله تفریغ بودجه نیست که يك اداره معین داشته باشد باین ملاحظه اینمطلب جزووظایف وزیر نوشته شده که بهر اداره از ادارات خودش صلاح میدانند رجوع کند.

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست؟

حاج شیخ یوسف - معلوم نیست مجلس تصویب کند که وصول مالیات هم بهمه خزانه داری باشد بنده تصور می کنم که در اینجا اکتفا کنیم و جمله (ودادن آن ها بخرانه برای وصول را حذف کنیم.)

سردار معظم - گویا آقا در این فقره دقت فرموده اند این مالیاتهایی که مردم میدهند مالیات های معمولی نیست بنده این قسمت را دوباره میخوانم برای اینکه درست دقت فرمایند مینویسد تعیین های دولت که صاحب جمع مخصوصی نداشته و بموجب امتیازات و قرارداد بایدسالی دو هزار تومان بدولت بدهد باید کلاً يك اداره معین شود که آن پول را بگیرد بدهد بخرانه داری تصور میکنم عملی تر این باشد که صورت آنرا بخرانه داری بدهند و خودش وصول کند.

نایب رئیس - در باب انعقاد جلسه فردا که عرض کردم آقای شیخ الملک پیشنهادی کرده اند قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که جلسه آتی را بروز دوشنبه قرار دهند.

سردار معظم - بنده مخصوصاً که مخیر کمیسیون قوانین مالیه هستم از حق خودم استفاده میکنم و از آقایان جداً استعفا میکنم که مخصوصاً قانون تشکیلات مالیه را جزو قوانین هادی تصور نفرمایند حتی اگر لازم است چند روزهم پشت سرهم جلسه را منقذ فرمایند و این قانون را زودتر بگذرانند و بنده خیلی متأسفم که در موقع مذاکره در هر ماده عتاید خود را مکرر اظهار میکنند در صورتی که اگر این قانون محتاج بدو شور نبود و به همان يك شور میگذشت باز مطلبی بود بنا براین بنده تقاضا میکنم که در ضمن مباحثات مذاکره روز گذشته را تکرار فرمایند که زودتر این قانون بگذرد

شیخ الملک - بنده پیشنهاد خودم را پس می گیرم.

نایب رئیس - بسیار خوب جلسه فردا ۳ ساعت بغروب و مذاکرات در بقیه قانون تشکیلات مالیه خواهد بود.

(مجلس یکساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

صورت مشروح مذاکرات

روز يك شنبه دهم جمادی الثانيه ۱۳۳۳
جلسه ۲۷

مجلس تقریباً یکساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤدب السلطنه نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز شنبه نهم قرائت شد

غائبین بدون اجازه - آقایان: حاج میرزا شمس الدین - حاج امام جمعه - آقا شیخ بهی - حاج شیخ حبیب الله - حاج میرزا فضلعلی آقا - حاج معین التجار - مؤیدالاسلام

نایب رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست؟

معتصم السلطنه - راجع به پیشنهاد بنده فقط لفظ دفاتر نوشته شده است در صورتیکه مکاتبات را مخصوصاً متذکر شده بودم خوبست اصلاح شود

نایب رئیس - بطور اختصار اشاره شده است دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد - بقیه مذاکره در قانون تشکیلات مالیه است چون آقای سردار معظم مخیر کمیسیون قوانین مالیه حاضر نبودند آقای معذل الدوله برای دادن توضیحات بسمت مخیری معین شده اند - اداره خزانه داری کل ماده یازدهم قرائت میشود (جزء اول ماده مزبوره از راپورت کمیسیون بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده یازدهم - اصول و وظائف خزانه داری کل از قرار ذیل است

(۱) جمع آوری و تمرکز تمام عایدات نقدی و جنسی دولت و دریافت عایدات ادارات صاحب جمع دولتی و آنچه که بموجب قراردادها و امتیازات بدولت باید عاید شود

نایب رئیس - در جزء اول مخالفی نیست
آقای سیدفاضل - بنده مخالفم بنده سابقاً تئیکه

شورکلیات قانون تشکیلات مالیه میگذشت جمعاً باینده از حیث این معنی شرکت داشتند که کلیه بعد از اینکه در پروگرام کابینه آقای مشیرالدوله دیدم که حتی الامکان متحرز و تجنب شده بود از اینکه قواء و اختیارات در یکجا جمع شود خوشبختانه از آن تجنب و احتراز همچو میفهمیدیم که اداره تشخیص از اداره وصول و اداره وصول از اداره خرج تفکیک خواهد شد خیالی بود میکردیم بعد قانون تشکیلات که از طرف وزیر پیشنهاد شده اداره تشخیص از اداره وصول و خرج تفکیک شده بود و وصول و خرج بالصرحه از وظایف خزانه داری نوشته شده بود و در راپورت کمیسیون اداره وصول تحت برده در اداره خزانه داری نوشته شده است حالا بچه ملاحظه بود چه عرض کنم بنده جداً عرض میکنم تمام تنفقات مردم و تمام این احساساتی که بر علیه اداره خزانه بود بواسطه این بود که خزانه بامؤدیان مالیات طرف بود و بتفکیک اداره تشخیص از خزانه علاج اینکار نمیشود و باز اداره خزانه بامؤدیان دولت طرف خواهد بود منتهی باواسطه گاهی جواب داده میشود این تشکیلات مرکزی است و این مطلبی که تو میگوئی در قانون بلاد خواهد بود قانون بلاد هم آنچه وزیر پیشنهاد کرده است الان موجود است و بعقیده بنده باید بکلی اداره وصول از اداره خزانه تفکیک شود باین معنی که خزانه دار صندوق دار باشد مالیات را مؤدیان مالیات بغیر از اداره خزانه بدهند و وصول مالیات با اشخاصی که ارتباط با خزانه دارند نباشد خاصه این که در تشکیلات ولایات وزیر می نویسد پیشکاران و امناء مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه دار خواهد بود در اینصورت باز قطعاً همانطور خواهد بود و اشکالاتی که در قانون (۲۳) جزوا داشتیم همان اشکالات اختیار امر ما وارد خواهد شد حالا که آقای مخیر نیستند آقای معذل الدوله توضیح فرمایند و یکرحمی بامؤدیان مالیات بکنند و این مسئله را قبول کنند و برگردانند بکمیسیون که اداره وصول از خزانه تفکیک شود و خزانه فقط صندوقی باشد پول را امناء مالیه

و پیشکاران سکه و وزیر مالیه مستقیماً از طرف خودش بدون پیشنهاد خزانه داری معین میکنند از مردم بگیرند برای خزانه بفرستند که خزانه فقط يك صندوقی داشته باشد و پول را نگذارند آنجا و ابداً شخص خزانه دار بامؤدیان مالیات طرف نباشد والا اگر خدای نخواست خدای نخواست اینطور نشود همان اشکالات فراهم خواهد شد گمان میکنم عقیده بعضی از آقایان اعضاء کمیسیون هم همین نحو بوده است که بنده عرض کردم حالا اگر آقای مخیر توضیحی دارند فرمایند ولی انشاءالله این پیشنهاد را قبول میکنند

معذل الدوله مخیر - اولاً یکفرمایشی

فرمودند در خصوص تجزیه امور تشکیلات مالیه و آنچه بنده در نظر دارم و در همین مجلس می شنیدم در پروگرام و زراعت بطور کلی تجزیه ادارات مقرر شده بود و پروگرام هیئت وزراء بما میفهماند که بطوری ادارات و مسئولیت های وزارت مالیه را تجزیه خواهند کرد که سکنه بامور مالیه وارد نیاید دولت را از مخارج

کراف و اضافه خرج محفوظ بدارد پس در اینصورت يك چیزی نیست که سابقاً بطوری ذکر شده باشد و حالا طور دیگری شده باشد علاوه بر آن بنده خاطر آقا را مستحضر میکنم همان مقصودی را که دارند بعمل آمده است اگر چه بنده بهمه مردم حق میدهم چون خیلی صدمه خورده اند حق دارند از لفظ خزانه داری و از اسم خزانه داری بترسند ولی می ترسم اگر چنانچه اداره وصول راهم خارج کنیم و اداره پرداخت راهم از خزانه جدا کنیم باز بگویند اداره خزانه نباید صندوق باشد در صورتیکه این طور نیست و تصور میکنم نباید آنقدر وحشت کنند زیرا آنچه چیزی که ما از او احتیاط میکردیم و موجب شکایت همه مردم بود همان چیزهایی بود که از همین اداره خارج شد باز هم تکرار میکنم در کلیات هم عرض کردم و باز هم ضرورتاً عرض میکنم آنوقت خزانه داری يك شخصی بود که هر چه دلش میخواست میکرد و هر چه دلش میخواست میداد و مأمورینش در ولایات هر کار میکردند مرجع تظلم معلوم نبود کیست و منتظلم نمیدانست بکجا رجوع کند وقتی که رجوع میکرد میگفتند امری است صادر شده حالا چنانچه خودشان فرمودند اداره تشخیص یعنی برای آنچه که باید گرفته شود اداره معین شد و وظائف او معین است و مکرر گفته شده است که جزو جمعها و بدمی هر نقطه را و هر جا را چاپ میکنیم و بدست مردم میدهیم و برای مردم سند خواهد بود که بیش از آن کسی حق نداشته باشد مطالبه کند برای این که معلوم باشد که بنده و کمیسیون هم موافقت داریم عرض کنم که پیشکاران مالیه مطلقاً از طرف وزیر مأمور میشوند و مشرول وزیر هستند و بطور تحقیق آنها مأمور وصول مالیات هستند علاوه بر آن مایک وظیفه برای اداره تشخیص در همین قانون معین کردیم که اگر مالیات بدمی اظهاری بکند يك سر خط مالیاتی یعنی يك تصدیق مالیاتی بخواهد آن تصدیق را بدهند پس در هر نقطه از این مملکت هر مالیات بدمی که بخواهد بداند چقدر مالیات باید بدهد و بخواهد از تمدی مصون بماند که زیادتر از او بگیرند ممکن است يك همچو سرخط بگیرد دولت این طور

مساعدت کرده و يك همچو تشکیلاتی داده است که مردم از تمذیل مصون بمانند و همین طور در پرداخت هم ملاحظه خواهند فرمود و بطوری تشخیص شده که هیچ حواله را خود خزانه دار نخواهد پرداخت مگر اینکه بامضاء وزیر رسیده باشد یا ینوصف نمی فرمایند يك اداره وصول معین شود و حال آنکه این امر وصول هیچ ربطی بر مرکز ندارد بجهت اینکه در مرکز هیچ معامله وصول و ایصال نیست مگر اینکه مجاسبه است منتها اداره هست که در واقع تشخیص آن مقدار و مبلغی که از مالیات وصول شده میدهد که آن اداره خزانه داری است و وصول و ایصال راجع بولایات است پس از آنکه این لایحه تشکیلات مرکزی گذشت لایحه تشکیلات ولایات خواهد آمد و اختیار با ما ها است که در آنجا عبارات مصرحی معین بکنیم این اختیار را کسی از ما سلب نکرده است و اختیار در دست ما است پس حالا که در موضوع این ماده صحبت میکنیم به بینیم آیا اینجابهیچ چیزی دلالت بر این دارد که مأمورین وصول را حکما خزانه داری بفرستند یا خیر اینجا فقط نوشته اند جمع آوری مالیاتها و تمرکز آنها معین است يك کسی باید او را جمع آوری کند یعنی تحویل بگیرد و بمصرف برسانند و چنانچه در فقرات بعد خواهد آمد صورت عایدات را با اداره معاسبات بدهد و گمان نمیکند در این ماده هیچ اشکالی باشد ولی اشکال خیالی خیلی آسان است یعنی اگر تصور کنند که يك خزانه داری خواهد بود که مأمور وصول میشود و فلان طور رفتار میکنند و گوش بحرف مظلوم نخواهد داد و تعذبات خواهند کرد آن وقت این اشکالات دارا است ولی اینطور نیست و اگر دقت بکنند خواهند فهمید که این ماده درست خیال ایشان را کفایت میکند و قانع خواهند شد و اینطور تصورات نخواهند فرمود و خزانه داری هم بیش از وظیفه خودش که جمع آوری باشد دیگر نظری نخواهد داشت

سلطان العلماء - فرمایشات آقای معمل الدوله ما را قانع نساخت بجهت اینکه لایحه تشکیلات ولایات که بکمسیون رسیده است شاهد است بر اینکه باید خزانه دار مأمورین ولایات را پیشنهاد کند و وزیر در قبول این پیشنهاد خزانه داری یا مجبور است یا مجبور نیست اگر مجبور است همان محظورات اولی که ما فرار میکردیم باقی است اگر مجبور نیست خوب است در این ماده توضیح فرمایند تا ما قانع شویم .

مختصر السلطان - اینجادر واقع اشتباهی فرموده اند و الا این ماده که اینجا نوشته شده کاملاً صحیح است و تصریح شده است بجهت اینکه وصول متعلق به تحصیل دارها است و در این ماده اداره مرکزی جمع آوری کل عایدات ذکر شده و هیچ داخل در ایالات و ولایات نشده یعنی هیچوجه داخل در وظیفه تحصیلدارها نشده ایم تحصیلدارها همیشه در زیر حکم امنای مالیه هستند که باید از طرف مرکز مأمور شوند و بعد در قانون ولایات و ایالات که در کمسیون قوانین مالیه است نظر ایشان معلوم میشود و بمجلس تقدیم خواهد شد که امنای مالیه ربطشان با کدام اداره مرکز باشد و در زیر حکم کدام اداره باشد یا مستقیماً از طرف وزیر یا از طرف یکی از ادارات مرکزی مأمور بشوند و این لایحه هیچ مربوط بوصول از محل نیست البته

تحصیلداران که در تحت حکم امنای مالیه هستند بموجب آن بودجه مصوبه که از مجلس میگردد و بآن دستوریکه از طرف وزیر مالیه بامنای مالیه داده شده است پول را بگیرند و بامنای مالیه میدهند و امنای مالیه بعد از وضع اخراجات مصوبه بایستی پول را در یکجا مرکزیت بدهند آن مرکز کجا است خزانه داری است و در پایتخت است باید پول در آنجا جمع شود و بر حسب حواله جات وزیر مالیه یعنی بعد از امضاء و تصدیق آن کمسیون که از طرف مجلس شورای ملی انتخاب میشود وزیر هم آن را امضاء میکنند و خزانه داری آنرا میردازد پس این مربوط باین تصورات و توقعاتی که فرمودند نیست و آن فرمایشاتی که میفرمایند منوط به تحصیلداری است که در زیر حکم امنای مالیه ولایات هستند و هنوز قانونش از کمسیون قوانین مالیه نگذشته است شاید فردا مادر کمسیون قوانین مالیه در شور اولش وارد شویم و تقاضا میکنم اگر ایراد و اشکالی دارند در مورد خودش بفرمایند و در این موقع بهتر از این ماده نمیشود چیز دیگری نوشت

عبد الملک - عرض کنم که نظریات بمجموع قانون است در موقع قانون گذاری فرد فرد سواد قانون را در نظر نمیگیرند تصور میکنم نظریات آقای آقاسید فاضل از آنجا حاصل شده است که ماده ششم تعیین رؤسای دوایر را بموجب پیشنهاد رئیس اداره و حکم وزارتی تجویز کرده و ماده ۷ تشکیل ولایات هم که هنوز بمجلس نیامده مصرح است که امنای مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه داری و بموجب حکم وزارتی منصوب میشوند این جمله مقدم و مؤخر گمان میکنم اسباب اضطراب خاطر آقای آقاسید فاضل شده است با اینکه مخبر کمسیون قبول کرد که مرکز را بآن جهت بیفزاید اگر کمسیون این مسئله را در نظر بگیرد این اشتباه مرتفع میشود و الا اگر این ماده بمینطور نوشته شود این اختلافات باقی خواهد بود و بنده هم با آقای آقاسید فاضل موافقم ولی اگر لفظ مرکز اضافه شود بنده اقتناع میشوم و گمان میکنم آقای آقاسید فاضل هم قانع شوند که این لفظ را در نظر بگیرند و در ماده ششم اضافه کنند .

حاج شیخ محمد حسن گروسی - عرض کنم کلمه جمع آوری خودش مسئله وصول را دربر دارد و اگر مأموریت وصول و تحویلداری و تمرکز تمام عایدات بعهده خزانه داری باشد اگر حقیقتاً میخواهند که عبارتی صریح باشد و ما را قانع کنند در عوض جمع آوری تحویلداری نوشته شود والا جمع آوری را جزء شئونات خزانه داری قرار دهیم و مأموریت وصول هم بعهده او باشد زاید از وظیفه خزانه داری است و باعث ندارد که امر زاید را ضمیمه کنیم و جزو شئونات خزانه داری قرار دهیم

معمل الدوله - آقای حاج شیخ محمد حسن را متذکر میکنم که در اداره خزانه داری يك مأمورین تحویلداری هم است و این اداره تحویلداری باید تقسیمات اقساط و ترتیب وصول آنها را بفرستند نزد امنای مالیه و صورت مالیاتها بیکه از بعضی مغزها وارد میشود داشته باشد که کم و زیاد نشود يك قسمت هم تحویلدار دارد که تحویل میگیرد اما اگر این کلمه

را این جا بگذاریم پس در واقع باید قائل شویم که يك اداره دیگری باشد که اسم آن اداره را خزانه داری بگذاریم بنظر دولت و قانون معاسبات عمومی باید خزانه دار جمع آوری و وصول وجوه دولت را بکند اگر باینطوریکه آقامیفرمایند عمل کنیم ما باید برای هر کلمه و هر لفظی از وظائف برای خزانه داری ادارات متعدده تشکیل بدهیم يك اداره وصول بنویسیم يك اداره خزانه بنویسیم يك اداره تعویلداری بنویسیم بنده عرض میکنم و از آقایان خواهش میکنم که خزانه دیروزی را در مدنظر نگیرند يك خزانه را که موافق ماده همین قانون تشکیلات که مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه تشکیل میشود در نظر بگیرند و بدانند اگر بخواند يك تمدی و تجاوزی نکند حکماً وزیر مالیه آنرا منع خواهد کرد پس در واقع آن خزانه داری بکلی تغییر کرده است و اگر آقایان دقت کنند بخوبی قانع خواهند شد ما که اجرت میدهیم و پول میدهیم البته باید کار بکنند جمع آوری کنند تحویلداری کنند و بپردازند و این فرمایشاتی را که میفرمایند نمیدانم از روی چه نظر است

نایب رئیس - آقایان مذاکرات را در فقره اولی کافی میدانند ؟ (گفته شد خیر) رأی میگیریم آقایان بیکه مذاکرات را در این قسمت کافی میدانند قیام نمایند

(عده کمتری قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد - آقای آقاسید فاضل پیشنهادی کردند فقرات میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که اداره وصول بکلی از وظایف خزانه داری موضوع شود در مرکز

نایب رئیس - توضیحی دارید بفرمائید
آقاسید فاضل - بنده تعجب میکنم که بعضی میگویند اشتباه شده یا قانون بلاد نیامده است آنچه نوشته شده درست است پیشنهاد وزیر بطور صریح مینویسد و خوب است آنرا بجهت تنویر افکار آقایان عرض کنم تا آنچه را کمسیون در تحت یرده گفته معلوم شود و بعد پیشنهاد ایالات را بخواهند تا این که مطلب معلوم شود راجع به این پیشنهاد میخواهم عرض کنم که باید اداره وصول از خزانه موضوع شود و اینکه میفرمایند اشتباه شده یا فلان شده یا قانون بلاد نیامده بنده عرض میکنم بمقتضای قانون تشکیلات بلاد که وزیر پیشنهاد کرده است يك عبارتی مینویسد و لوا اینکه هنوز به تصویب کمسیون نرسیده ولیکن زمینه را بدست میدهد بجهت اینکه اینجا مینویسد - ماده (۷۲) جمع آوری عایدات دولت و وصول مالیات ها مطابق دستور العمل ها و جزو جمعهای اداره کل عایدات که بتوسط خزانه دار بیکل برای پیشکاران و امنای مالیه فرستاده میشود بر عهده پیشکاران و امنای مالیه است بالاخره معلوم میشود که طرف بامؤدیان مالیات خزانه دار خواهد بود و بطور غیر مستقیم هم قانونی که وزیر پیشنهاد کرده وهم رایورت کمسیون و هم قانون بلاد صراحت در این مسئله دارد و بنده مطالعه کرده ام و مطلب را میگویم و عرضم این است که باید تصریح شود که خزانه دار ما تحویلدار است یا دو کار دارد از بلاد مالیات میگیرد یا خیر - ما میخواهیم بگوئیم مالیات را مؤدیان به پیشکار هائیکه از طرف وزیر مالیه معین

میشوند بدهند و آنها بفرستند بصندوق مرکز و بهیچوجه با اظهارات آقای معدنالدوله قانع نشدم

نایب رئیس - پیشنهاد دو باره قرائت میشود رای بگیریم (مجدداً قرائت شد)

معدل الدوله - بنده تصور می کنم که اگر درست ملاحظه فرمایند در مرکز اداره وصول نیست چند نفر محاسب است که محاسب و جوهریکه از ولایات بواسطه بیشکاران مایه میرسد میکنند و اینکه در مرکز پیشنهاد کرده اند اگر میفرمایند در مرکز اداره وصول موضوع شود .

آقا سید فاضل - لفظ مرکز را حذف کنید

معدل الدوله - بنده نمی فهمم یعنی چه یعنی اداره وصول یا هیچ نباشد یعنی مالیات راهبج وصول نکند این چیز خیلی غریبی است موضوع شدن اداره وصول يك چیز تازه است پس آقا بفرمایند بیشکاران مایه نباشند بنده مکرر عرض کردم که بیشکاران مایه بموجب فرمان همایونی و امانه مایه بموجب حکم وزیر منصوب میشوند و مأمور وصول مالیات آنها هستند که وصول میکنند و میفرستند مرکز و در خزانه داری جمع میشود این چیز خیلی آسانی است و مشکل نیست حالا باز آقا قانع نشوید چه عرض کنم بنده که نمیتوانم قبول کنم رای بگیریم تا مطلب معلوم شود

نایب رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

نایب رئیس - جزء دوم ماده یازدهم قرائت میشود (بضمون ذیل قرائت شد)

۲ - معاملات جاری بانگها و صرفها
نایب رئیس - آقای حاج شیخ محمد حسن مخالفید ؟

حاج شیخ محمد حسن - طریقه رای گرفتن را من نفهمیدم در همان جزء اولی عرض دارم .

نایب رئیس - رای گرفته شد گذشت
ارباب کیخسرو - بنده تصور میکنم صلاح باشد که بعد از صرفها جمله (معتبر با رعایت صرفه دولت) اضافه شود بیجهت اینکه ما میدانیم بواسطه همینطور اختیاراتیکه با خزانه دار بود و شاید ملاحظه همین دو کلمه ها را نکرده و ما را باین محظورات دچار کرده بنا بر این ضرر ندارد نوشته شود صرفهای معتبر با رعایت صرفه دولت

نایب رئیس - جمله اضافه که آقای ارباب کیخسرو پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در فقره دوم از ماده یازدهم بعد از کلمه صرفها مزید شود (معتبر با رعایت صرفه دولت) و عبارت آخری فقره دوم این

قسم نوشته شود (معاملات جاری با بانگها و صرفهای معتبر با رعایت صرفه دولت)

معدل الدوله - چون رعایت صرفه دولت است قبول میکنم که بکمیسیون رجوع شود و در آنجا نظر شود

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟

جزء سوم حذف میشود جزء چهارم جزء سوم میشود (قسمت مزبور بضمون ذیل قرائت شد)

۳ - تأدیبه حوالجات مستقیم و اعتباری وزیر مایه در حدود مقرر قانون

نایب رئیس - مخالفی نیست ؟
حاج شیخ اسدالله - بنده پیشنهادی تقدیم کردم .

نایب رئیس - آن پیشنهاد راجع باین جزء نیست راجع بجزء پنجم است که حالا جزء چهارم میشود .

در این جزء مخالفی نیست؟ جزء پنجم که حالا جزء چهارم است قرائت میشود . (باین مضمون قرائت شد)

۴ - دادن صورت کل عایدات مأخوذه با اداره محاسبات کل

ارباب کیخسرو - بنده يك توضیح از آقای مخیر میخواستم اینجا نوشته شده است دادن صورت کل عایدات آیا مقصود این است که هر فقره از عایدات را در موقع خود صورت بدهند یا در آخر هر سال صورت کل عایدات را بدهند اگر مقصود این بوده است که از هر فقره عایدات صورت بدهند این عبارت این معنی را نیرساند .

معدل الدوله - مقصود کمیسیون از این ماده این بود که همراه از ولایات واز تمام منابع که پول بخرانه دولت میرسد صورتی با اداره محاسبات کل بدهند برای اینکه اداره محاسبات کل بتواند حساب سالانه خود را مرتب کند بنده تصور نمی کنم لازم باشد این مسئله در این قانون قید شود برای اینکه نظامنامه توضیح این قبیل مطالب را خواهد داد و اگر ما تصریح کنیم ماهیانه باشد یعنی صورتها هست که محتاج است بر اینکه روزانه با هفتگی صورت بدهد مثلا اداره تعدید ممکن است هفته به هفته یا یازده روز بیازده روز صورت بدهد یا بعضی صورتها است است از ولایات که ۳ ماه به سه ماه تسطیس میرسد این عبارت شامل تمام آنها خواهد بود بنابراین تعیین این مسئله و راجع بنظامنامه کرده ایم و قتیکه نظامنامه خزانه داری بمجلس یعنی بکمیسیون قوانین مایه آمد در این باب تشریح خواهند کرد که کدام عایدات راهبانه صورت خواهند داد و کدام راسالیانه و غیره در این ماده نظر کلی باین بود که اداره محاسبات کل حتی المقدور از عایداتیکه بخرانه میرسد آگاه باشد

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم این ماده خیلی ناقص باشد دادن صورت از طرف خزانه بکمیسیون تطبیق حوالجات در هر برج اهمیتش بیشتر از این است و بنده مطابق این مطلب هم پیشنهادی کرده ام زیرا کمیسیون تطبیق حوالجات بجهت حواله جاتی که از آنجا صادر میشود وجه موجودی در خزانه را باید بداند که زیاده بر آن حواله ندهد و همیشه آن وجه موجود در نظر کمیسیون تطبیق حوالجات باشد این است

که بنده تصور میکنم بملامه اداره محاسبات کل باید کمیسیون تطبیق حوالجات هم صورت داشته باشد و اگر در يك برج با اداره محاسبات کل صورت نرسد اینقدر اهمیت ندارد ولیکن برای کمیسیون تطبیق حوالجات خیلی مهم است بنده تقاضا میکنم مطابق همان پیشنهادی که کرده ام در اینجا نوشته شود (دادن صورت کل وجود مأخوذه با ادارات مربوطه در آخر هر برج) و اینکه آقای معدل الدوله می فرمایند بسااست که یکماه صورت نرسد این مسئله را بنده تصور میکنم که منافی با این پیشنهاد نباشد برای خاطر اینکه مسلماً در آخر هر برج تمام وجه موجودی در خزانه را خود خزانه دار میداند اگر چه صورت حسابش مثلا از فارس یا از کرمان نرسیده باشد ولی خود خزانه داری که پول میدهد بگیرد بهتر میدانند چه قدر وجه موجودی در خزانه دارد این است که اگر پیشنهاد بنده مطابق نظر یا نشان باشد قبول کنند که بکمیسیون برود در تحت مذاقه نیاید

منتصر السلطان - اینکه در اینجا اظهار میشود که موقع مدت را معین نکرده اند بواسطه این است که لازم نیست در هر يك از مواد وظائف هر کسی کاملا تصریح شود اگر بجزء ششم از ماده دوازدهم ملاحظه کنیم می بینیم که اعضاء مایه و مأمورین مایه مکلفند در آخر هر برج صورت حسابهای خودشان را با اداره محاسبات کل بپردازند پس در واقع وظائف خزانه داری هم نوشته شده است که باید صورت حسابهای خود را با اداره محاسبات کل بپردازند لهذا دیگر محتاج باین مسئله نیست ولیکن باز هم اگر خواهند لفظ در آخر هر برج در اینجا تعدید شود عیبی ندارد

ارباب کیخسرو - خود آقای منتصر السلطان توضیح دادند که جزء ششم ماده دوازدهم توضیح شده است که مطالبه صورت از بیشکاران مایه وظیفه اداره محاسبات است این قانون اداره خزانه داری را از سایر ادارات مایه جدا کرده است و اعضاء مایه تحصیل دارائی هستند از طرف خزانه داری وزیر دست خزانه داری هستند ما مقصودمان اینجا بخود خزانه دار است این عبارتی که اینجا نوشته اند صریحا میگوید خزانه دار باید صورت کل عایدات را با اداره محاسبات بدهد و حال آنکه اداره کل محاسبات باید از هر فقره عایدی دولت همانست مطلع شود این بود که بنده پیشنهاد کردم که اینجا قید شود دادن صورت هر فقره از عایدات

محمد هاشم میرزا - این مطلب را ما در فقره ششم از ماده دوازدهم از وظائف اداره محاسبات کل قرار دادیم که در آخر هر برج از بیشکاران مایه صورت بخواهد و البته مطابق همین وظیفه که برای او تعیین شده همراه مطالبه خواهد کرد دیگر لازم نبود که در وظائف خزانه داری هم این تصریحات را بکنیم و همانطور که گفته ایم اداره محاسبات مکلف است صورت محاسبات را مطالبه بکند همانطور هم در اینجا گفته ایم خزانه داری هم باید صورت عایدات را با اداره محاسبات بدهد در این صورت این عبارت هیچ عیبی ندارد و بعقیده بنده تکرار بعضی مطالب هیچ لازم نیست .

میرزا عیسی خان - در این ماده که بنویسد باید خزانه دار کل صورت عایدات را با اداره محاسبات بدهد در صورتیکه در جزء سوم تأدیبه حوالجات را از وظائف خزانه دار شردیم معلوم نیست صورت عایدات تنها را باید بدهد یا صورت مخارج را هم باید بدهد اگر فقط صورت عایدات را باید بدهد پس صورت مخارج چه میشود ؟

معدل الدوله - بعضی چیزها در اینجا مذکور شد که بنده در نظر گرفتم یکی یکی را برای آقایان جواب عرض کنم یکی مسئله ایست که آقای میرزا عیسی خان عنوان کردند لازم است عرض کنم صورت حوالجات در اداره محاسبات موجود است و لازم نیست صورت مخارج را خزانه داری با اداره محاسبات کل بدهد بجهت آنکه هر حواله را ابتدا باید بکمیسیون تطبیق حوالجات یا بودجه ها مطالبه کند و بعد وزیر امضاء کند بعد از آنکه کمیسیون تطبیق حوالجات آنرا با بودجه مطالبه کرد آنوقت صورت آنرا اداره محاسبات ثبت میکند تا وزیر مایه آن حواله را امضاء کند و با اداره خزانه داری بفرستد پس تصور میکنم که هیچ محتاج باین مطلب نخواهد بود که صورت مخارج را هم بدهد و اینکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند صورت مأخوذه را به مقامات مربوطه یعنی بکمیسیون تطبیق حوالجات بفرستند بنده میخواهم عرض کنم که کمیسیون تطبیق حوالجات صورت جمع و خرج نگاه نمیدارد فقط مأموریت او این است که به بیند حواله صادر نشود مگر اینکه مطابق باشد با بودجه مصوبه مجلس شورای ملی و در این صورت او هیچ ضامن تأدیبه یا هم پرداخت نخواهد بود و این وظیفه و وظیفه وزیر است که مسؤلیت دارد پس از اینکه این حوالجات مرتب از کمیسیون تطبیق حوالجات با اداره محاسبات رسید وزارت مایه چون میداند عایدات چه چیز است مطابق عایدات موجود بخرانه حواله بدهد و مسئله که آقای ارباب فرمودند بنظر من چندان ضرری ندارد يك تصریح عبارتی است و عیبی ندارد ولی چنانچه عرض کردم اگر ما در قانون قید کنیم هر ماه صورت بدهد يك عیبی دارد و آن اینست که اگر یکوقتی مخارجی پیدا شود و وزیر بخواهد بفهمد در خزانه چه قدر وجه موجود دارد باید که حق داشته باشد از اداره محاسبات سؤال کند که چقدر پول در خزانه موجود است و این ترتیب برای آنستکه هر وقت آن صورت مطالبه شود خزانه داران صورت را بدهند و نگویند که من نخواهم داد یا در آخر هر ۳ ماه یا در آخر هر هفته باید از من مطالبه نمایند نظر باین مصلحت بود که تعیین مدت نشده و منوط بنظامنامه شده است این مسئله را گذاشته اند که در نظامنامه قید کنند .

نایب رئیس - مذاکرات کافی است ؟ (جمعی گفتند کافی است) دو فقره پیشنهاد شده است یکی متعلق با آقای حاج شیخ اسدالله و یکی از طرف آقای ارباب کیخسرو .

حاج شیخ اسدالله - تصور میکنم کمیسیون تطبیق حوالجات وظیفه اش فقط نظارت تنها نباشد و حوالجاتیکه صادر میشود بنیای آن حوالجات همان کمیسیون تطبیق حوالجات و کمیسیون تطبیق

نایب رئیس - عده برای رای گرفتن کافی نیست اگر مخالفی نباشد جلسه برای روز ۳ شنبه ۳ ساعت شروع مانده باشد دستور هم مذاکره در بقیه قانون تشکیلات مایه خواهد بود (مجلس تقریباً نیمساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۲۸
صورت مشروح مجلس روز ۲۳ شنبه یازدهم شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۳
مجلس تقریباً نیمساعت از شب گذشته در تحت

حوالجات اول وجه نقدی خزانه را باید در نظر بگیرد و در هر برج وجه نقدی خزانه را بداند چقدر است و حوالجاتیکه از کمیسیون تطبیق حوالجات صادر میشود باید زیاد تر از موجودی و اعتبار فوق العاده که در خزانه داری هست نباشد و بعد از آنکه کمیسیون مطابق سکر با اداره محاسبات میزود بعد بامضای وزیر میرسد بعد از آن با اداره خزانه میزود این است که کمیسیون تطبیق حوالجات باید وجه موجودی خزانه را در نظر داشته باشد و بداند چقدر وجه نقد در خزانه دولت هست این راجع بان مطلب که میگویند اداره کمیسیون تطبیق حوالجات نباید اطلاع از وجه نقدی خزانه داشته باشد و دیگر اینکه راجع بفرمایش آقای ارباب کیخسرو میفرمایند نوشته شده است که اداره محاسبات باید صورت عایدات جزء را از امانه مایه بخواهد این را بنده تصدیق دارم ولیکن خزانه داری را هم باید مکلف کنیم بر اینکه هر ماه صورت حساب و صورت مأخوذه خودش را با اداره محاسبات بدهد که با صورتیکه بیشکاران و امانه مایه با اداره محاسبات داده اند و همچنین صورتیکه بخرانه داده اند مطابق بکدی که بیشکاران مایه پیش خود یک صورتی نداده باشند

مخیر - آقای حاج شیخ اسدالله راجع به تعیین وظائف کمیسیون تطبیق حوالجات قبل از رسیدن بموادیکه وظائف آنرا معین میکنند خوب بیان کردند ولی ممکن بود منتظر شوند فردا یا امروز که بآن مواد غیرسیم اظهارات خودشان را میفرمودند برای اینکه قبلا خاطر ایشانرا مستحضر کنیم اگر بفقرات آن ماده رجوع فرمایند خواهند دید که در آنجا معین کرده اند که کمیسیون می تواند که هر نوع اطلاعات راجع بعایدات دولتی پیدا کند و دیگر لازم نیست صورت عایدات بکمیسیون تطبیق حوالجات داده شود و در اینجا ذکر شود دیگر اینکه راجع با اداره محاسبات فرمودند عرض کردم اداره محاسبات می تواند از ولایات صورت بخواهد و این ربط باین موضوع ندارد بنده عرض میکنم نظر کمیسیون این است که اداره محاسبات هر روز و هر ساعت میتواند صورت از خزانه دار بخواهد و باین نظر است که در اینجا بطور کلی نوشتم تا بعد جزئیات آنرا در نظامنامه قید بکنیم .

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو پیشنهادی کرده اند قرائت میشود (باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در فقره چهارم ماده یازدهم در عوض صورت کل نوشته شود (صورت هر فقره عایدات)

مخیر - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم بکمیسیون رجوع فرمائید .

نایب رئیس - عده برای رای گرفتن کافی نیست اگر مخالفی نباشد جلسه برای روز ۳ شنبه ۳ ساعت شروع مانده باشد دستور هم مذاکره در بقیه قانون تشکیلات مایه خواهد بود (مجلس تقریباً نیمساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۲۸
صورت مشروح مجلس روز ۲۳ شنبه یازدهم شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۳
مجلس تقریباً نیمساعت از شب گذشته در تحت

ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید
رئیس - هر چند میبایستی در ابتداء جلسه صورت مجلس خوانده شود ولی چون امروز تعطیل بود و اتفاقاً جلسه فوق العاده پیش آمد و اجزا حاضر نبودند این است که صورت مجلس حاضر نبود که قرائت شود انشاءالله صورت مجلس امروز و جلسه دیروز در جلسه آتیه توماً قرائت خواهد شد خاطر آقایان مسبوق است که آقای مشیرالدوله از ریاست وزراء استعفا نموده اند و اعلیحضرت اقدس همایونی بارعایت نظریات مجلس حضرت والا آقای هین الدوله را بمقام ریاست وزراء معرفی فرمودند و هر چند ایشان خیلی مایل بودند هیئت وزرای خودشان را بمجلس بیاورند و معرفی فرمایند ولی بملاحظه اهمیت موقع لازم دیدند که بدو خودشان بمجلس تشریف آورده معرفی شوند تا اینکه در ظرف دوسه روزه کابینه وزراء را تشکیل نموده بمجلس معرفی فرمایند چنانکه خیلی لازم میدانم عرض کنم این است که بایستی ما از حسابات حریت پرستانه ذات اقدس ملوکانه زیاده از اندازه تشکر نمایم که در يك همچو موقع مهم بار يك بطوریکه شایسته مقام سلطنت عظمی است باین بحران باره ایت قواعد مشروطیت خاتمه دادند دیروز هم که با هیئتی برای اظهار نظریات مجلس شرفیاب شده بودیم مخصوصاً میفرمودند که خیلی میل دارم بین من و مجلس موافقت کاملی باشد و کلیه امور باین موافقتی بگذرد از خداوند خواهانیم که بر عمر و عزت و سلامت و دوام و شوکت و جلالت اعلیحضرت اقدس همایونی روز روز بیفزاید (عموماً گفتند انشاءالله)

رئیس الوزراء - اعلیحضرت اقدس همایونی امروز بنده را بفرح آباد احضار فرمودند و نظر با اکثریتی که در مجلس مقدس نسبت به بنده حاصل شده بود

(جمعی از نمایندگان گفتند اتفاق بود)
واز آن حسن ظنی که آقایان نمایندگان اظهار فرموده بودند اعلیحضرت اقدس همایونی مقرر فرمودند کابینه را تشکیل بدهم و برای استحضار خاطر نمایندگان محترم امر فرمودند امروز شرح اراده ملوکانه را بمجلس مقدس ابلاغ نمایم و امیدوارم انشاءالله در مقابل این حسن ظنی که از طرف نمایندگان محترم نسبت بنده حاصل شده است موفقیت حاصل نمایم و از عهده خدمت کاملاً برآیم و ضمناً بیک مسئله که خیلی لازم است و ضرورت دارد خاطر نمایندگان محترم را متوجه میکنم و آن مسئله اسکناس بانك شاهنشاهی است و بخوبی اطلاع دارند که يك غلطی واضعاری در مردم موجود است و دولت باید در این باب يك تصمیمی بکند و اسباب آسایش و رفاهیت اهالی را فراهم آورد و برای این مسئله همین است يك لایحه حاضر میکنم و تقاضا می نمایم فردا صبح يك مجلس فوق العاده تشکیل شود و آن لایحه بمجلس مقدس تقدیم شده و از مجلس بگذرد شاید انشاءالله تمالی با موافقت مجلس مقدس اسباب آسایش عمومی فراهم شود (اغلب تصدیق کردند)

رئیس - تمام آقایان نمایندگان خلوص عقیده که در حضرت والا شاهزاده عین الدوله سراغ